

متن پرسش

با سلام و تحیت خدمت استاد طاهرزاده: در خصوص انتخابات اخیر حقیر به این جمع بندی رسیده ام نمی دانم تا چه اندازه صحیح می باشد به هر حال نکاتی را به شرح ذیل جهت استحضار تقدیم می دارم: نکته اول: عرصه ای که در انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری شاهد بودیم به نوعی عرصه ی جهاد کبیر بود. یعنی قشر عظیمی از مردم با تاکید بر گفتمان انقلاب اسلامی، از تفکر و فرهنگی که نئولیبرال ها در طی چندین سال در جامعه بسط داده بودند ، تبعیت نکردند و قریب به ۱۶ میلیون نفر با هدف تغییر و عدم تبعیت از وضعیت موجود و مشهورات زمانه وارد عرصه ی جهاد کبیر شدند و حقیقتا این جماعت شایسته تکریم و پاسداشت هستند و نه توسری خور. نکته دوم : جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی با همه ضعف ها و کاستی هایی که داشت توانست در مدت زمان کوتاهی ساز و کاری مناسب برای مدیریت صحنه انتخابات برپا کند علی رغم اینکه به مطلوب خود دست نیافت ولی می توان ادعا نمود تاکنون جبهه ای متحدتر و منسجم تر از جمنا در جمهوری اسلامی ایران شکل نگرفته بود. اما صرف مانور سیاهی لشکر و میتینگ های انتخاباتی مراکز استان ها ، شرط کافی برای جذب آراء مردم نبود. لذا بیشترین توان جبهه نیروهای انقلاب اسلامی مصروف این امر شد و از تبلیغ چهره به چهره در مناطق شهری و روستایی غفلت شد. در خیلی از روستاهای آذربایجان شرقی نامزدی با نام حجت الاسلام رئیسی حتی به گوششان هم نخورده بود! شش ماه و یا یکسال مانده به انتخابات، نمی توان به نتایج مطلوب امیدوار بود. نکته سوم : یکی از مولفه های قدرت ساز در پیروزی انقلاب اسلامی مساجد بود . در حال حاضر صفوف اندک نمازهای جماعت مساجد و حضور کم رنگ بسیجیان و حزب اللهی ها در مساجد ، به یک معنا نشان دهنده میزان انقلابی گری جامعه ماست. وقتی یک نهاد اصیل و قدرت سازی همچون مسجد در هیچ یک از راهبرد های ما جایگاهی ندارد ، چگونه می توان ادعای بسط گفتمان انقلاب اسلامی در کف جامعه نمود ؟ اگر مساجد سنگر است پس چرا این مساجد که سنگرهای انقلاب اسلامی هستند اکنون خالی اند؟ نکته این است که مساجد خالی به درد انقلاب اسلامی نمی خورد و باید نسبت به این نکته توجه بیشتری می کردیم. نکته چهارم : جبهه مقابل جمنا از شیوه های مختلف جنگ روانی و ابزارهای آن به وفور بهره می برد. دورغ ، تهمت ، افترا و استهزاء رقبای انتخاباتی ، کف برنامه های تبلیغاتی این جماعت بود و توفیقات زاید الوصفی از این طریق عایدشان شد اگر چه پاره ای از موارد حزب اللهی ها نیز از این ترفندها استفاده می کردند اما طبق آموزه های دینی شما به هیچ وجه مجاز به استفاده از شیوه های غیراخلاقی رقیب نیستی اگر چه عدم استفاده از این شیوه ها ، شاید به نفع جبهه شما نباشد.

روایتی از حضرت امیر المومنین (ع) که می‌فرماید: «لَوْ لَا التَّقَى لَكُنْتُ أَذْهَى الْعَرَبِ»، اگر تقوا اجازه می‌داد، و اگر تقوا دست و پای علی را نبسته بود، مکارترین افراد عرب بودم. نکته پنجم: شاید قریب به ۵۰ درصد کسانی که به روحانی رای دادند از همان ملت بصیر ۲۲ بهمن‌ها هستند که حاصل ریزش‌های جبهه انقلاب اسلامی می‌باشند. به وفور افرادی را می‌شناسم که دلشان در اردوگاه انقلاب اسلامی است ولی رای خود را به نامزد جبهه انقلاب اسلامی ندادند. به نظر حقیر نباید تحلیل‌ها به سمتی برود که نشان دهد کسانی که به نامزد جبهه انقلاب اسلامی رای ندادند در مقابل نظام قرار دارند و یا کسانی هم که آراء خود را به نامزد مطلوب جمن‌ا داده‌اند، احساس سرخوردگی و یاس کنند که نتوانستند موثر واقع شوند. جبهه مقابل قوی نبود بلکه ما ضعیف عمل کردیم. محکوم کردن ملت به بی‌بصیرتی، دردی دوا نمی‌کند. نخبگان جامعه ما چه گلی بر سر خود زدند که عوام نیز آنها را همراهی کنند تا زمانی که قبول نکنیم بخش عمده ضعف‌های جبهه انقلاب اسلامی به نخبگان و خواص هم بر می‌گردد، نمیتوان ساز و کار و نقشه‌ی راه مناسب برای بازگرداندن شرایط مطلوب را طراحی و عملیاتی کرد. نکته آخر: وقتی هیچ‌تصور و مختصاتی از وسعت شهر سقوط کرده نداریم، چگونه ادعای بازپس‌گیری‌اش را بکنیم؟ هرکسی از ظن خود شد یار من! در واکنش به نتایج انتخابات، برخی‌ها از ضرورت بازگشت نیروهای انقلاب به موقعیت خدمت به مردم می‌گویند اما خدمت با انگیزه انتخاباتی هم، نسخه شفابخش انقلاب اسلامی نیست. نکته‌ای که استاد عزیزمان جناب آقای محمد جبارپور بدان اشاره داشته‌اند به نظر خیلی خوب بود و آن اینکه: برایم جالب است که تعبیر آقا از انتخابات «شب قدر» است اما توجه ما به این موضوع حداقلی است. البته از امثال بنده انتظار بیشتری نیست! چون مواجهه ما با خود شب قدر نیز اینگونه است. "بعد از صرف افطار" آماده مسجد رفتن و انجام اعمال شب قدر می‌شویم! بزرگان ما از ابتدای ماه مبارک خود را آماده شب قدر می‌کنند، اولیاء الله از ماه رجب خود را آماده می‌کنند و عرفا از شب قدر قبلی یک سال کار می‌کنند تا شب قدر را درک کنند. درک شب قدر تلاش و مجاهدت مستمر می‌خواهد نه اینکه شب امتحانی بخواهیم کار کنیم. یادمان نرود کل تلاش سالانه برخی اولیاء خدا برای بهتر درک کردن شب قدر است، یعنی یک سال عبادت می‌کنند تا یک شب را درک کنند، برای درک انتخابات نیز باید ۴ سال تلاش کرد و محور همه فعالیت‌های ما معطوف به این مساله مهم باشد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: از برکت انتخابات اخیر همین‌که عزیزانی امثال جنابعالی تا این حدّ به تفکر و تحلیل نایل شده‌اید که بس مبارک و همه‌جانبه است. به نظر بنده تمام جوانبی که مطرح فرمودید قابل توجه است. به‌خصوص مطلب آخر که موضوع شب قدر انتخاباتی را پیش کشیدید؛ به این معنا که ۴ سال مردم را متوجه‌ی اهدافی در انتخابات‌شان بکنیم که گرفتار تحریکات نفس‌آماره‌شان از طریق رقیب نگردند.

آری! ما باید در متن دموکراسی که در این تاریخ با آن روبه‌رو هستیم انقلاب خود را ادامه دهیم. بدین معنا که نه می‌توان بدون رأی مردم انقلاب را شکل داد و جلو برد، و نه مانند غرب با هر مردمی و هر هوسی می‌توان کنار آمد. این جا است که رسالت اصلاح جامعه و تربیت دینی فرد فرد افراد پیش می‌آید. دوره‌ی آن گذشت که بگوییم هرکس با ما نیست، بر ما است. و دوره‌ی آن گذشت که با برخورد تند و خشن، افراد ناصالح را به اردوگاه رقیب پرت کنیم. به تعبیر مقام معظم رهبری «حفظه‌الله»؛

«عمده نظر و هدف شما این باشد که چتر گفتمان انقلابی را در کشور باز کنید، بر روی سر همه‌ی کشور باز کنید. این کار هم بسیار دشمن دارد. کسانی هستند که سعی می‌کنند سفره‌ی انقلاب را جمع کنند تا دیگر تفکر انقلابی وجود نداشته باشد... نکته‌ای که باز تأکید خواهم کرد این است که باید در دل‌ها نفوذ کرد، این کارها خیلی کارهای خوبی است که انجام گرفته، اما ارزیابی کنید ببینید این کارها، چقدر در دل‌ها نفوذ کرده... ما باید مردم را با اخلاق تربیت کنیم و با اخلاق بار بیاوریم... شما در این مجموعه، مخاطبان خودتان را مشخص کنید و افزایش دهید، یعنی مخاطبتان فقط آن جوانی که از پیش به شما معتقد است نباشد... **قشر خاکستری و حتی قشر از خاکستری متمایل به سیاه را هم باید براباید و جذب کنید**». (بیانات رهبری در جمع دست‌اندرکاران جبهه‌ی فرهنگی انقلاب، آبان ماه ۹۵).

موفق باشید